

معرفی وارن بافت دومین ثروتمند دنیا

وارن بافت سرمایه گذار و تاجر موفق آمریکایی است. وارن بافت ۷۴ ساله، امسال به عنوان یکی از ثروتمندترین ترین مردان جهان در سال ۲۰۱۴ معرفی شد. او یه اکنون بزرگترین سرمایه‌گذار جهان است، کار خود را از سن سیزده سالگی به عنوان روزنامه‌فروش دوره گرد آغاز کرد و یک مزرعه کوچک خرید. بافت در ابتدا، هیچ سرمایه‌ای نداشت اما حالا دارایی خالص او در حدود ۵۲ میلیارد دلار است. اگر می‌خواهید با او و شیوه یسب و یارش آشنا شوید، این مطلب را از دست ندهید.

مختصری از بافت

وارن بافت (Warren Buffett) متولد ۳۰ اوت ۱۹۳۰ میلادی است که غالباً با لقب باهوش اوماها یا دانشمند اوماها نامیده می‌شود. او یک آمریکایی سرمایه‌گذار، تاجر و یک انسان خیرخواه و بشردوست می‌باشد. او خود را پیرو ندانم‌گرایی (نداشتن دانش و دلیل کافی در اثبات وجود خداست) معرفی می‌کند! او مدیر عامل و بیشترین سهام‌دار شرکت برکشایر هاتاوی می‌باشد. دارایی خالص او در حال حاضر ۵۲ میلیارد دلار برآورد شده‌است و در رتبه‌بندی فوربس در سپتامبر سال ۲۰۰۸ میلادی، به عنوان ثروتمندترین مرد جهان شناخته شده‌است.

در ماه ژوئن سال ۲۰۰۶، او ۸۳٪ از دارایی خود را به بنیاد بیل و ملیندا گیتس اهدا کرد. حجم دلاری اهدایی او تقریباً ۳۰ میلیارد دلار است. اهدای دارایی در این سطح در تاریخ آمریکا بی‌نظیر بوده‌است. در آن زمان اعلام شد که این سطح کمک کافی است تا اندازه این بنیاد را به بیش از دو برابر افزایش دهد.

علازمه داشتن ثروت زیاد، او به داشتن زندگی مقتصدانه و رفتار فروتنانه مشهور است. او کماکان در خانه خود در مرکز داندی در همسایگی اوماها، نبراسکا که در سال ۱۹۸۵ میلادی به ارزش ۳۱'۵۰۰ دلار خریداری کرده‌است زندگی می‌کند. البته اوخانه‌ای گران‌تر در لاگونا بیچ، در ایالت کالیفرنیا دارد که در سال ۲۰۰۴ خریداری کرده‌است. ارزش خانه او در اوماها در سال ۲۰۰۸ میلادی ۷۰۰'۰۰۰ دلار برآورد شده‌است.

درآمد سالیانه او در سال ۲۰۰۶ میلادی حدود ۱۰۰'۰۰۰ دلار بوده‌است که در مقایسه با استاندارد درآمد یک شخص با شغل مشابه (مدیر عامل) ناچیز است. در سال ۲۰۰۷ میلادی بافت در بین ۱۰۰ مرد برتر تأثیرگذار در دنیا توسط مجله تایم آورده‌شد. او مردی بسیار فروتن است.

دوران کودکی:

پدرش هاوارد بافت تاجر و سیاستمدار بود. بافت دومین فرزند از سه فرزند و تنها فرزند پسر خانواده است. او در کودکی در زمینه‌ی پول و تجارت استعداد شگفت‌انگیزی از خود نشان داد. سوابق و توانایی‌هایش در محاسبه‌ی دقیق اعداد در ذهن خود، هنوز هم همکاران تجاری‌اش را متحیر می‌کند. در ۶ سالگی، شش جعبه‌ی کوکا کولا به قیمت ۲۵ سنت از مغازه‌ی پدر بزرگش خرید و هر بطری را به ازای یک سکه‌ی پنج سنتی فروخت؛ در حالی که کودکان هم سن و سال او بر روی چمن لی لی و بولینگ بازی می‌کردند. وارن تحصیلات خود را در دبستان رز هیل در اوماها آغاز کرد.

مهاجرت به واشنگتن دی سی

در سال ۱۹۴۲ پدرش در انتخابات کنگره آمریکا انتخاب شد و به همین منظور او به همراه خانواده به واشنگتن دی سی نقل مکان کردند و وی دوران راهنمایی خود را در مدرسه آلیس دیل گذراند. در سال ۱۹۴۷ در ۱۷ سالگی از دبیرستان وودرو ویلسون در واشنگتن D.C فارغ التحصیل شد. در دوران دانش آموزی‌اش ۵۰۰ دلار روزنامه توزیع کرد. (این مقدار در حال حاضر معادل ده‌ها هزار دلار است) صبر و شکیبایی؛ اصل مهم سرمایه‌گذاری او با رفتن به درب خانه‌ها و فروش آدامس، نوشتابه کوکا کولا و مجلات هفتگی شروع به کار کرد و برای مدتی نیز در مغازه پدر بزرگش مشغول بود. در ۱۱ سالگی سه سهم شرکت citesservice را به قیمت هر سهم ۳۸ دلار، برای خود و خواهر بزرگش به نام دوریز خرید. در مدت کوتاهی بعد از خرید سهام، قیمت هر سهم به ۲۷ دلار کاهش یافت. وارن ترسیده بود اما هیچ اقدامی نکرد تا اینکه هر سهم به ۴۰ دلار رسید، او خیلی سریع آنها را فروخت و بعد خیلی زود از این کار پشیمان شد، چون سهام citesservice پس از مدت کوتاهی به ۲۰۰ دلار رسید. این تجربه درس بزرگی به او داد؛ اینکه یکی از اصول مهم سرمایه‌گذاری، صبر و شکیبایی است.

اعتراض به اداره مالیات

در سال ۱۹۴۳، به اداره مالیات به دلیل گرفتن مالیات ۳۵ دلاری برای دوچرخه‌اش، اعتراض کرد و سرانجام موفق شد مالیات ۳۵ دلاری دوچرخه‌اش را حذف کند.

دانشگاه نبراسکا

پدرش تمایل زیادی داشت تا وارن برای ادامه تحصیل به دانشکده علوم اداری و بازرگانی دانشگاه پنسیلوانیا برود. اما او دو سال به دانشگاه نرفت و عقیده داشت بیشتر از استادها می‌داند! وقتی پدرش در مبارزات مجلس شکست خورد، وارن به خانه‌شان در اوماها برگشت و برای ادامه تحصیل به دانشگاه نبراسکا رفت. با وجود کار تمام وقت، تنها در مدت سه سال موفق شد دوره لیسانس را در این دانشگاه بگذراند و فارغ التحصیل شود.

دانشگاه کلمبیا

او در سال ۱۹۵۱ می‌خواست وارد دانشکده علوم اداری و بازرگانی شود، ولی دانشگاه به دلیل سن کم بافت او را نپذیرفت و او مجبور شد برای دوره فوق لیسانس رشته اقتصاد، به دانشگاه کلمبیا برود. او از دو استاد شناخته شده در تحلیل اوراق بهادار، بنجامین (بن) گراهام و دیوید داد استفاده برد. بن گراهام در طول دهه ۱۹۲۰ به دلیل داشتن تفکرات نو در زمینه بازار سهام، خیلی زود به عنوان یک سرمایه‌گذار و تحلیل‌گر بزرگ معروف شد. او به دلیل بی‌خطر بودن سهام‌های ارزان، به دنبال آنها بود. بافت در طول تحصیلاتش در کلمبیا، تنها دانشجویی بود که در کلاس درس بن گراهام نمره $A +$ گرفت. بعد از دوره‌ی فارغ التحصیلی هم تصمیم گرفت تا برای گراهام بطور رایگان کار کند، ولی بن نپذیرفت. او بعد از رد شدن پیشنهاد کار توسط گراهام، در وال استریت به عنوان دلال سهام مشغول به کار شد. او با استفاده از درآمد کم این دوران، پمپ بنزین سینکلایر را خرید؛ اما چنان که انتظار می‌رفت، پمپ بنزین بازدهی نداشت. بافت به خانه‌اش در اوماها برگشت و در بنگاه پدرش مشغول به کار شد. از سال ۱۹۵۱ تا ۱۹۵۴ در شرکت بافت - فالک به عنوان فروشنده سرمایه‌گذار شروع به کار کرد. از سال ۱۹۵۴ تا ۵۶ به عنوان تحلیلگر اوراق بهادار در شرکت گراهام نیومن به کار پرداخت. از ۱۹۵۶ تا ۶۹ به عنوان شریک عمومی با شرکت بافت همکاری داشت.

ازدواج اول

او در زادگاهش با دختری به نام سوزان تامپسون آشنا شد. این دو در آوریل ۱۹۵۲ با هم ازدواج کردند. آنها یک آپارتمان سه خوابه‌ی مخروبه و پر از موش را به مبلغ ماهیانه ۶۵ دلار اجاره کردند. در سال ۱۹۵۳ فرزند اولشان، به نام سوزی متولد شد. برای صرفه جویی از یک کشوی خراب لباس برای او تخت درست کردند.

در آن سالها سرمایه گذاری وارن به ایستگاه Texaco و چند مشاور املاک محدود بود که البته هیچکدام برایش موفقیتی کسب نکرد. در این دوران برای کسب درآمد، در دانشگاه اوهاها شروع به تدریس کرد. او قبل از شروع تدریس، برای غلبه بر ترس حرف زدن در جمع و مکان‌های عمومی، یک دوره آموزش با دیل کارنگی گذراند. بافت در دانشگاه برای دانشجویانی که میانگین سن آنها دو برابر سن خودش بود؛ اصول سرمایه گذاری را تدریس می‌کرد.

همکاری وارن و بن گراهام

در سال ۱۹۵۴؛ بن گراهام، استاد دانشگاه بافت و سرمایه گذار مشهور، از او دعوت کرد تا با حقوق سالانه ۱۲۰۰۰ دلار برایش کار کند. سرانجام وارن بعد از مدتها انتظار به آنچه می‌خواست رسید. بافت و همسرش در حومه ی شهر نیویورک خانه‌ای اجاره کردند. بافت روزها به تجزیه و تحلیل گزارشات و تحقیق در زمینه‌های موفقیت در سرمایه‌گذاری می‌پرداخت. در طول این دوران تفاوت‌هایی بین روند کار گراهام و بافت آشکار شد. بافت می‌خواست بداند که چگونه یک شرکت در بین رقبا به برتری دست می‌یابد و بن به دنبال اعداد و ارقام بود. همچنین وارن مدیریت شرکت را عاملی مهم در سرمایه گذاری می‌دانست؛ اما گراهام صرفا به تراز نامه و صورت در آمد و سود و زیان شرکت اهمیت می‌داد و به نوع رهبری و مدیریت شرکت کمتر توجه می‌کرد. بین سالهای ۱۹۵۰ تا ۱۹۵۶ وارن سرمایه ی شخصی خود را از ۸۰۰/۹ دلار به ۰۰۰/۱۴۰ دلار رساند.

تولد دومین فرزند بافن؛ هاوارد گراهام

در سال ۱۹۵۴ دومین فرزند بافت به نام هاوارد گراهام به دنیا آمد. وارن نام فرزندش را از نام پدر خود؛ هاوارد بافت، همچنین بنجامین گراهام استاد مورد علاقه‌اش، انتخاب نمود. هاوارد گراهام بافت به عنوان مدیر ارشد اجرایی در شرکت‌های برکشایر هاتاوی، شرکت کوکاکولا و آرچر دانیلز میدلند فعالیت می‌نماید. ولی فعالیت اصلی‌اش در زمینه کشاورزی است، که مالک مزرعه‌ای ۱/۶ کیلومتر مربعی در تکاماه، نبراسکا می‌باشد.

موسسه‌ی سرمایه گذاری بافت

در سال ۱۹۵۶ با داشتن تجربه‌ای مناسب و همچنین تجارب ارزنده‌ی گراهام و با تمام سرمایه‌ی خود به اوهاها برگشت و مؤسسه‌ی سرمایه‌گذاری بافت را تاسیس کرد. در اوایل می ۱۹۵۶ با خواهرش

دوریز و عمه آلیس به سرمایه‌ای به ارزش ۱۰۵۰۰۰ دلار شریک شد. او ۱۰۰ هزار دلار در Buffet Association Ltd سرمایه‌گذاری کرد. قبل از پایان سال سرمایه وی به ۳۰۰/۰۰۰ دلار رسید و یک خانه‌ی گچکاری شده با ۵ اتاق خواب به قیمت ۳۱۵۰۰ دلار در خیابان فارنام خریداری کرد که آن را حماقت بافت نامید. در همان سال سومین فرزند او به نام پیتر به دنیا آمد. بافت جلساتش را با شرکای خود در آن خانه برگزار می‌کرد. در آن هنگام زندگی او شکل دیگری گرفت. بافت سه فرزند، یک زن زیبا و تجارت خیلی موفقی داشت. در سال ۱۹۵۷ مالک سه شرکت شد. در سال ۱۹۵۸ موسسه‌ی سرمایه‌گذاری بافت صاحب ۷ شرکت شد. در ۱۹۶۲ به یک میلیونر تبدیل شد، زیرا سرمایه شرکتش به ۷ میلیون رسیده بود که از این مقدار یک میلیون آن به بافت می‌رسید.

تأسیس شرکت برکشایر هاتاوی

او تمامی شرکت‌ها را در یک شرکت منسوجات به نام برکشایر هاتاوی تلفیق کرد. در ژانویه ۱۹۶۶ سرمایه شرکت بافت به ارزش ۱۷۸/۷/۵۰۰ دلار بود که بیش از ۲۵۰/۱/۰۰۰ دلار متعلق به آقای وارن بود. در سال ۱۹۶۶ شرکای بافت، سهام برکشایر هاتاوی را به ارزش هر سهم ۸۶/۱۴ دلار خریدند. او در اواخر سال ۱۹۶۶، پذیرش سهامدار جدید را در شرکت ممنوع کرد.

بافت؛ رئیس برکشایر هاتاوی

در سال ۱۹۶۷ برای برکشایر هاتاوی یک فروشگاه خرده‌فروشی خصوصی در بالتیمور خرید که مسئولیت ریاست هیات مدیره آنرا برعهده گرفت. برکشایر در سال ۱۹۶۷ به ازای هر سهم، ۱۰ سنت سود داد. او در سال ۱۹۷۰ برای اولین بار رئیس برکشایر هاتاوی شد و نامه‌ای به سهامداران نوشت. بعد از چندین سرمایه‌گذاری دارایی خالص او افزایش پیدا کرد. در فاصله‌ی سال‌های ۱۹۶۵ تا ۱۹۷۵ ارزش هر سهم برکشایر، از ۲۰ دلار به ۹۵ دلار رسید. در طول این دوره بافت که صاحب ۲۹ درصد از سهام برکشایر بود، توانست ۱۴ درصد دیگر از سهام شرکت را بخرد و سهام او و همسرش که ۳ درصد از سهام را داشت به ۴۶ درصد رسید.

بافت؛ یکی از ۴۰۰ ثروتمند دنیا

بافت شرکت برکشایر هاتاوی را توسعه داد و همچنین در صنایع مختلف سرمایه‌گذاری کرد. در سال ۱۹۷۹ با دارایی ۱۴۰ میلیون دلار برکشایر در ABC سهام خرید. هر سهم به قیمت ۲۹۰ دلار بود. برکشایر پس از مدت کوتاهی، فروش سهام در ABC را با قیمت هر سهم ۷۷۵ دلار شروع

کرد و با ۳۱۰ ، ۱ دلار پایان داد. ثروت خالص بافت ، به ۶۲۰ میلیون دلار رسید و برای اولین بار ، نام او در مجله فوربس به عنوان یکی از ۴۰۰ ثروتمند دنیا معرفی شد.

خرید شرکت seescandy

او در دهه ۱۹۷۰ فرصت پیدا کرد تا شرکتی به نام seescandy به مبلغ ۲۵ میلیون دلار بخرد. این خرید بزرگترین سرمایه‌گذاری برکشایر هاتاوی بود.

خرید سهام شرکت واشنگتن پست

در سال ۱۹۷۳ سهام شرکت واشنگتن پست را خرید. این کار او سبب شد تا کاترین گراهام سرپرست روزنامه و نشریات شرکت و همچنین عضو هیئت مدیره شود. در سال ۱۹۷۹ نیز سعی در به دست آوردن سهام ای بی سی نمود.

پیشرفت جهانی شرکت بافت

بافت به زمان خرید هم توجه دارد. او نمی‌خواهد در کارهایی که ارزش مشخصی ندارند، سرمایه‌گذاری کند. او منتظر کسادی و اصلاح بازار می‌ماند تا کالاهای مطمئن و همچنین سهام شرکت‌های مطمئن را با قیمت منطقی (پایین) خریداری کند، زیرا کسادی و رکود بازار سهام ، فرصت خرید ایجاد می‌کند. هر گاه در بازار، احتکار رایج باشد، بافت محافظه‌کار می‌شود و هرگاه سایرین نگران سرمایه‌ی خود باشند؛ بافت پر تکاپو می‌شود. این استراتژی دوگانه و متضاد، سبب شده تا شرکت بافت به پیشرفت جهانی برسد و خسارت مهم قابل توجهی به این شرکت وارد نشود. البته انتقادهایی نیز وجود دارد که شرکت در طول این دوران فرصت‌های خوبی را از دست داده است. بافت معتقد است که سرمایه‌گذار در خرید سهام باید به گونه ای آن شرکت را مورد بررسی قرار دهد که گویی می‌خواهد تمامی شرکت را بخرد. او خود می‌گوید که در سال ۲۰۰۶، تنها ۱۸ درصد از درآمدش را صرف پرداخت مالیات کرده است در حالیکه کارمندان او با وجود درآمد کمتر ۳۲ درصد، مالیات پرداخت کردند. بافت همیشه سیستم و روند خود را تحسین می‌کند که سبب شده تا او به نسبت کمتر از یک منشی مالیات پرداخت کند. وارن بافت بر این باور است که دلار آمریکا، در یک دوره‌ی طولانی مدت بی‌ارزش می‌شود. او عقیده دارد که روند رو به افزایش رکود و کمبود معامله در آمریکا ، هشدار است به این معنا که دارایی‌ها و دلار آمریکا بی‌ارزش می‌شود، در نتیجه‌ی این عمل بخش بزرگی از دارایی‌های ایالات متحده در دستان خارجی‌ها قرار می‌گیرد. این موضوع او را وادار کرد تا

برای نخستین بار در سال ۲۰۰۲ وارد بازار پول خارجی شود. بافت نسبت به دلار بدبین است. او می گوید که در جستجوی شرکتهایی است که در آمد خویش را از خارج ایالات متحده بدست می آورند. بافت در شرکت پتروچین سرمایه گذاری کرد و در وب سایت برکشایر هاتاوی موضوع را مورد بحث قرار داد که چرا بر خلاف بحث های موجود درباره ی این شرکت، از آن چشم پوشی نمی کند و سرمایه های کلانی در زمینه های مختلف از جمله بیمه، تولید انرژی، بازار قالی، جواهرات و مبلمان دارد. از جمله شرکتهای معروفی که بافت از سهامداران آن است علاوه بر کوکا کولا، آمریکن اسپرس و ژیلت می باشد. به دلیل ترکیب نظرات شوخی و جدی بافت در زمینه تجارت سخنان او معروف هستند. (تعدادی از آن سخنان در قسمت پایانی این مطلب ذکر شده است)

چه کسی می تواند مشاور خود را پیدا کند

بافت با خواندن کتاب گراهام به نام "چه کسی می تواند مشاور خود را پیدا کند" در تجارت خود تحولی ایجاد کرد. او قصد خرید و سرمایه گذاری در یک شرکت بیمه را داشت. در یک صبح دلپذیر یکشنبه سوار ترن شد و به دفتر مرکزی شرکت بیمه GEICO رفت. وقتی به آنجا رسید درها بسته بودند ولی او منصرف نشد و بی وقفه و محکم در را کوبید تا سرایدار آمد و در را باز کرد. از سرایدار پرسید: "کسی در ساختمان نیست؟" شانس به بافت رو آورد. او به طبقه ششم رفت و در آنجا هنوز مردی کار می کرد. او به سرعت در مورد شرکت و فعالیت های تجاری اش از مرد سوالاتی پرسید. صحبت های آنها چهار ساعت طول کشید. آن شخص کسی نبود جز لوری دیوید سون؛ معاون مالی شرکت. این تجربه بزرگ بافت در اصرار بر انجام فعالیت خود سبب شد تا برک شایرهای و تمامی شرکت GEICO را تصاحب کند. در سال ۱۹۸۳، بافت از شرکت GEICO و با ارائه بیمه ی بیماران، میلیون ها دلار سود بدست آورد. در سپتامبر همان سال بنجامین گراهام؛ اسطوره بافت درگذشت و او را با تمام خاطرات و نصایحش تنها گذاشت. او در سال ۱۹۹۸، بیش از ۷ درصد سهام شرکت کوکاکولا را به قیمت ۲۰/۱ میلیارد دلار خرید. در ۱۹۸۹، به مبلغ ۷/۹ میلیون دلار هواپیمای جتی برای شرکت خرید، اما به دلیل انتقادهایی که خود او در گذشته از مدیر عاملان شرکت های دیگر برای چنین خریدهایی کرده بود؛ این عمل را توجیه ناپذیر دانست. در سال ۱۹۶۹ گروه کارسون، بافت را به عنوان پولدارترین مدیر قرن بیستم معرفی کردند. او همچنین در سال ۲۰۰۲، ۱۱ میلیارد دلار برای قراردادهای سلف سرمایه گذاری کرد تا دلار آمریکا را در برابر دیگر پول های در گردش نجات دهد. سود بافت از این معامله ها ۲ میلیارد دلار بود. او موفق شد با سرمایه گذاری در شرکت هایی که سهام آنها به ارزش واقعی خود نرسیده بودند، هر روز به ثروت خود بیفزاید و لقب یکی از ثروتمندترین مردان تاریخ را از آن خود کند.

ازدواج دوم

در سال ۲۰۰۴ سوزان همسر بافت درگذشت. او در سال ۲۰۰۶ با آسترید منکس (Astrid Menks) ازدواج کرد.

امور نیکوکارانه

وارن مخالف انتقال ثروت از یک نسل به نسل بعدی است، از همین رو در ژوئن ۲۰۰۶ اعلام کرد که بیش از ۷۰ درصد ثروت خود، یعنی ۳۷ میلیارد دلار از ۵۲ میلیارد دارایی خویش را به صورت کمک‌های سالانه به بزرگترین مؤسسه‌ی خیریه‌ی جهان، مؤسسه‌ی بیل و ملیندا گیتس (اهداف اصلی تاسیس این بنیاد از سوی بیل گیتس و همسرش، افزایش سلامت و کاهش فقر شدید در سطح دنیا و در آمریکا گسترش دادن فرصت‌های آموزشی و دسترسی به تکنولوژی اطلاعات است) می‌بخشد تا در امور خیریه صرف شود. حجم دلاری اهدایی او تقریباً ۳۰ میلیارد دلار است. اهدای دارایی در این سطح در تاریخ آمریکا بی‌نظیر بوده است. در آن زمان اعلام شد که این سطح کمک کافی است تا اندازه‌ی این بنیاد را به بیش از دو برابر افزایش داد. در سال ۲۰۰۸ میلادی به حاکمیت مطلق بیل گیتز به عنوان ثروتمندترین فرد جهان پس از ۱۳ سال، پایان داد.

ثروت وارن بافت

او در سال ۱۹۹۰ به یک بیلیونر تبدیل شد، زمانی که به فروش مقداری از سهام برکشایر هاتاوی پرداخت. درآمد سالیانه او در سال ۲۰۰۶ میلادی حدود ۱۰۰'۰۰۰ دلار بوده است که در مقایسه با استاندارد درآمد یک شخص با شغل مشابه (مدیر عامل) ناچیز است. در سال ۲۰۰۷ نامش به عنوان ۱۰۰ فرد پر نفوذ جهان در مجله تایمز به چاپ رسید. وی جزو ثروتمندترین افراد جهان می‌باشد که در سال ۲۰۰۹ فرد دوم و در سال ۲۰۱۰ فرد سوم جهان معرفی شد. به وی لقب باهوش اوماها و دانشمند اوماها را داده‌اند. او علیرغم داشتن ثروت زیاد، به داشتن زندگی ساده و رفتار فروتنانه مشهور است. او کماکان در خانه خود در مرکز داندی در همسایگی اوماها، نبراسکا که در سال ۱۹۸۵ میلادی به ارزش ۳۱'۵۰۰ دلار خریداری کرده است زندگی می‌کند. البته او خانه‌ای گران‌تر در لاگونا بیچ، در ایالت کالیفرنیا دارد که در سال ۲۰۰۴ خریداری کرده بود. ارزش خانه او در اوماها در سال ۲۰۰۸ میلادی ۷۰۰'۰۰۰ دلار برآورد شده است. ارزش هر سهم شرکت سرمایه گذاری وی با عنوان "برکشایر هاتاوی" که شرکتهای بیمه، نوشابه‌سازی، شیرینی‌پزی، مبل‌سازی، رستوران و فرش بافی را در بر می‌گیرد، ۸۳۰۰۰ دلار است. او مانند گراهام به عدم امکان پیش

بینی آینده معتقد است و حتی قیمت سهام را نیز بررسی نمی‌کند، زیرا به اعتقاد وی قیمت سهم شاخص گول زنده‌ای است و معیار خوبی برای انتخاب سهم مناسب نیست. او یک ماشین کادیلک DTS دارد.

نکات اصلی سرمایه‌گذاری وارن ادوارد بافت

— قیمت سهام را در بازار دنبال نکنید و به جای پیش بینی تغییرات بازار بر روی تک تک شرکتها و ارزش آنها کار کنید.

— در مورد خرید سهام همان قدر وسواس داشته باشید که در مورد کسب و کار خود دارید. در محدوده‌های کاری خود سهم خریده و در مورد سرمایه‌گذاری خویش دانش کافی داشته باشید. — پس از انتخاب سهم مناسب باید آن را در شرایط خوب و بد حفظ کنید. در بلند مدت شرکت‌های خوب برنده‌اند و شرکت‌های بد از بازار خارج می‌شوند.

— شرکت‌های خوب را در قیمت‌های پایین بخرید. — شرکت خوب، شرکتی است که از خصوصیات زیر برخوردار باشد:

— دارای مدیریتی خوب باشد.

— بیش از حد نیاز وجه نقد به دست آورده و آن را به روشی مناسب مصرف کند. یعنی یا آن را در فعالیت‌های سود ده سرمایه‌گذاری کند و یا به صورت سود نقدی و یا باز خرید سهام به سرمایه‌گذاران خود دهد. با بررسی بازده سرمایه‌گذاری هر شرکت می‌توان عاقلانه بودن مصرف وجه نقد در آن را بررسی نمود.

— دارای حاشیه سود بالا هستند.

— ارزش بازار آن بیش از سودشان افزایش می‌یابد.

— قیمت خرید خوب زمانی است که قیمت سهم پایین تر از ارزش دفتری باشد (استفاده‌ی مستقیم از نظریه گراهام).

— سبد خود را به چند سهم خوب محدود کنید.

— تحقیقات خود را به طور مناسب و روشن انجام داده و تحت تاثیر تفکرات دیگران قرار نگیرید.

دو قانون وارن بافت

اول پول سهامدارانتان را نسوزانید.

دوم قانون اول را فراموش نکنید!

تحصیل در دانشگاه نبراسکا
فوق لیسانس رشته اقتصاد در دانشگاه کلمبیا

مسئولیت و مقام‌ها

تدریس در دانشگاه

تاسیس موسسه‌ی سرمایه‌گذاری بافت

رئیس برکشایر هاتاوی

تحلیلگر اوراق بهادار در شرکت گراهام نیومن

فروشنده سرمایه‌گذار در شرکت بافت – فالک

شریک عمومی شرکت بافت

نکات جالب از زندگی و شخصیت بافت

- بافت به داشتن زندگی مقتصدانه و رفتار فروتنانه مشهور است. او کماکان در خانه خود در داندی یه در سال ۱۹۸۵ میلادی به ارزش ۳۱ هزار و ۵۰۰ دلار خریداری کرده است، زندگی می‌کند. البته او خانه گران‌تری در لاگونا بیج، در ایالت کالیفرنیا دارد که در سال ۲۰۰۴ خریده است.
- او درباره بیلگیتس می‌گوید: «اگر قرار است کسی شرکت مرا تصاحب کند، امیدوارم آن آدم، بیل باشد.»
- بافت همیشه خودش اتومبیل شخصی خود را می‌راند و هیچ راننده یا محافظ شخصی ندارد. هرگز با جت شخصی سفر نمی‌کند هرچند که مالک بزرگ‌ترین شرکت جت شخصی دنیاست.
- شرکت بافت از ۶۳ شرکت تشکیل شده است. او هر ساله تنها یک نامه به مدیران اجرایی این شرکت‌ها می‌نویسد و اهداف آن سال را ابلاغ می‌پند. او هرگز جلسات یا مکالمات تلفنی را بر مبنای یک شیوه قاعده‌مند برگزار نمی‌کند و به مدیران اجرایی خود ۲ اصل آموخته است: اصل اول این است که «هرگز ذره‌ای از پول سهامداران خود را هدر ندهید» و اصل دوم می‌گوید «اصل اول را فراموش نکنید.»
- او به کارهای اجتماعی شلوغ تمایلی ندارد. سرگرمی او پس از بازگشت به منزل، درست کردن مقداری ذرت بوداده (پاپکرن) و تماشای تلویزیون است.

- وارن بافت نه با خودش تلفن همراه حمل می‌کند و نه کامپیوتری بر روی میز کارش دارد. او همیشه به جوانان می‌گوید: «از کارت‌های اعتباری دوری کنید و به خودتان متکی باشید؛ پول انسان را نمی‌سازد، بلکه انسان است که پول را ساخته. ضمناً تا جایی که می‌توانید، ساده زندگی کنید. به توصیه‌های دیگران توجه نکنید فقط به آنها گوش کنید اما کاری را که فکر می‌کنید درست است انجام دهید. دنبال مارک‌های معروف نباشید. آن چیزهایی را بپوشید که به شما احساس راحتی دست می‌دهد. پول خود را به خاطر چیزهای غیرضروری هدر ندهید. تنها به خاطر چیزهایی خرج کنید که واقعا به آنها نیاز دارید. این زندگی شماسست. چرا به دیگران این فرصت را می‌دهید که برای زندگیتان تعیین تکلیف یکنند.»
- بافت، فارغ‌التحصیل دانشگاه نبراسکا است و فوق‌لیسانس خود را در رشته اقتصاد از دانشکده بازرگانی کلمبیا تحت نظارت بنجامین گراهام گرفته است. سرمایه‌گذار و نویسنده معروف، فیلیپ فیشر در بینش و فلسفه سرمایه‌گذاری بافت تاثیر زیادی گذاشته است.
- بافت یکی از مخالفان سرسخت انتقال ثروت از یک نسل به نسل بعدی است. شاید برای همین است که اعلام کرده بخش زیادی از ثروتش پس از مرگ او به بنیاد بافت منتقل شود. ارزش هر سهم شرکت سرمایه‌گذاری او در حال حاضر ۸۳ هزار دلار است. او درباره سرمایه‌گذاری می‌گوید: «شناسایی یک سرمایه‌گذاری خوب و دل بستن به آن، بهتر از پریدن از یک سرمایه‌گذاری به سرمایه‌گذاری دیگر است.»
- رستوران مورد علاقه ی بافت در اواماها، خانه ی استیک گورات است و غذای مورد علاقه ی بافت ، استیک استخوان دار ، خوراک گوشت و سبزی خرد شده است. او یک ماشین کادیلاک DTS دارد، در ضمن ایمیل و کامپیوتر شخصی روی میز کار خود ندارد
- او هنوز در خانه ای که به مبلغ ۳۱/۵۰۰ دلار خریده بود و آن را حماقت بافت نامیده بود، زندگی می‌کند. این خانه در حال حاضر ۷۰۰/۰۰۰ دلار ارزش دارد.
- در سال ۲۰۰۴ سوزان همسر بافت فوت کرد. او در سال ۲۰۰۶ با آستریدمنکس ازدواج کرد
- در سال ۱۹۶۹ گروه کارسون، بافت را به عنوان پول دارترین مدیر قرن بیستم معرفی کردند

تحقیق، ترجمه و گردآوری : گروه ویسوار